



# اصفہا فلسفے مکتبہ

نخستین ہمایش بین المللی

مجموعہ مقالات برگزیدہ

— جلد اول —

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

**مکتب فلسفی اصفهان** اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن‌رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسور است؛ و این طریقی بود که پیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان متأله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی-عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به **حکمت یمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** مالرجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان متأله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است- جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اِشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کرین در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسید که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای اِیحای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته-ی علمی همایش، نخست دست به کاربرسی مقالات رسیده شدیم. این مقالات در سه سطح استادان، دانشجویان و همکاری استاد و دانشجو ارائه گردید که تمامی آن‌ها توسط داوران محترم ارزیابی و پس از تایید نهایی جهت چاپ و انتشار در مجموعه مقالات همایش آماده شد. فهرست مجموعه مقالات همایش بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شد و نمایه‌ای نیز بر پایه‌ی حروف الفبای موضوعات مقالات در آخر مجموعه افزوده شد. از آن‌جا که حجم مقالات رسیده گنجایش بیش از یک مجله را داشت و از سوی دیگر در سه سطح مذکور ارائه شده بود، تصمیم گرفته شد که مقالات در سه مجلد چاپ و منتشر گردد. گفتنی است که چون شماری از مقالات دریافت شده از نظر داوران محترم دارای درجه‌ی علمی-پژوهشی بود، مقرر گردید که مقالات مذکور در مجله‌ی علمی پژوهشی تایخ فلسفه وابسته به بنیاد اسلامی حکمت صدرا نیز جداگانه چاپ شود که بدین‌وسیله از مسئولان آن مجله‌ی وزین به ویژه سردبیر محترم آن تشکر و قدردانی می‌شود. افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت.

آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح التائیه الکبریٰ صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، الشوارق ابوالحسن قاتنی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الکلمة الطیبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا اسماعیل واحد العین، ساقی نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسعی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجه‌ی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضالی گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به احیای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش، امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

#### ۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجه الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر محمد بیدهدی،

دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان جناب آقای مهندس بهبهانی که از حامیان اصلی برگزاری همایش بوده و چاپ سه جلد مجموعه مقالات همایش را نیز بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:

الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین‌وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نمایم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوه‌رنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی  
دبیر علمی نخستین همایش  
بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

## فهرست

### دکتر زهرا اخوان صراف

تحلیل و بررسی دیدگاه مجلسی دوم درباره فلسفه و حکمت ..... ۱۱

### دکتر محمد حسن ادریسی

اهمیت شعر و شاعری در عصر صفویه ..... ۳۹

### دکتر فتحعلی اکبری

وحدت دین و فلسفه در حکمت متعالیه ..... ۵۹

### دکتر سید مهدی امامی جمعه

آفاق هرمنوتیکی حکمت متعالیه و رسالت اجتماعی، فرهنگی ملاصدرا ..... ۶۹

### دکتر فرزاد بالو/ دکترمهدی خبازی کناری

نگاهی تطبیقی به مشرق الانوار میرداماد و مخزن الاسرار نظامی ..... ۸۷

### دکتر اعظم رجالی

سیر عرفان در اصفهان از قرن دوازدهم تا عصر حاضر ..... ۱۰۵

### دکتر فروغ السادات رحیم پور

نمود بینش و منش شیخ بهایی و مجلسی (دوم) در رسایل اعتقادی ایشان ..... ۱۲۹

### دکتر محمود زراعت پیشه

نقد و بررسی تقسیم سه گانه حمل نزد میرداماد ..... ۱۵۳

### دکتر علی اکبر زمانی نژاد

درسهای اخلاقی و عرفانی آقا حسین خوانساری ..... ۱۷۱

### دکتر شهناز شایان‌فر

مختصات عرفان راستین نزد فیض کاشانی ..... ۲۰۳

### دکتر غلامحسین شریفی ولدانی

رشحه ای از سحاب (بررسی تأثیرپذیری سحاب اصفهانی از شعر عهد صفوی) ..... ۲۱۵

### دکتر عبدالله صلواتی

انواع انسانی نزد ملاصدرا و فیض کاشانی ..... ۲۳۱

### دکتر سید صدرالدین طاهری

اصول بنیادین نظریه ی ملاصدرا درباره ی معاد جسمانی از دیدگاه فلاسفه ی مکتب اصفهان ..... ۲۴۳

### حجه الاسلام و المسلمین احمد عابدینی نجف آبادی

بررسی حرکت، در جواهر مجرد ..... ۲۶۳

### دکتر سیداحمدعقیلی

سیرتاریخی مکتب فلسفی اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار ۱۱۳۵-۱۲۱۰ق ..... ۲۷۷

**دکتر غلامحسین عمادزاده**

بررسی دیدگاه آقاحسین خوانساری به برخی از مبانی اصالت وجود صدرایی ..... ۳۱۱

**دکتر علیرضا فاضلی**

روش شناسی سید قطب الدین نیریزی در مباحث عرفان نظری ..... ۳۲۳

**دکتر علی کرباسی زاده اصفهانی**

نگاهی به احوال و اندیشه های علامه خاتون آبادی و معرفی رساله کشف الحیرت ..... ۳۳۷

**دکتر رضا ماحوزی**

تبیین ساختار هستی‌شناختی اعیان؛ گفتگوی تطبیقی حکمای مکتب اصفهان و فیلسوفان معاصر ..... ۳۵۵

**دکتر محمد مشکات**

فلسفه تکنولوژی بر مبنای صدرالمتألهین و از منظر هایدگر ..... ۳۷۱

**دکتر محمد مهدی مشکاتی**

تحلیل دیدگاه حکیم خواجهی در باره معاد جسمانی ..... ۳۹۹

**دکتر امراله معین**

تأثیر نگرش فلسفی کرین بر دیدگاه او در مورد اصفهان: مدینه ی تمثیلی ..... ۴۱۵

**دکتر حامد ناجی**

گذری بر زندگی پیترودلاواله ..... ۴۳۱

**دکتر سیما سادات نوربخش**

ملاصدرا و مبحث عالم مثال در فلسفه سهروردی ..... ۴۴۵

**دکتر سید حسین واعظی**

تحلیل و بررسی باب سوم از رساله زواهر الحکم (میرزا حسن لاهیجی) ..... ۴۶۵

نمایه عنوان مقالات ..... ۴۸۶



## بررسی دیدگاه آقاحسین خوانساری به برخی از مبانی اصالت وجود صدرایی

غلامحسین عمادزاده<sup>۱</sup>

### چکیده

محقق خوانساری یکی از علماء و اندیشمندان معاصر صدرالمتالهین می‌باشد که به حاشیه بر شفا بوعلی‌سینا مبادرت ورزیده و از معدود کسانی است که تعلیقات صدرالمتالهین بر شفا را مورد ارزیابی نقادانه قرار داده است. این مقاله بر آن است که دیدگاه‌های فکری و هماهنگی و یا تعارض‌های او را با مبانی و مبادی اصالت وجود برجسته نماید، اندیشه‌ی وی را درباره‌ی اشتراک معنوی وجود، زیادتی وجود بر ماهیت، عرض بودن مفهوم وجود بر حقایق خارجی آن، ماهوی نبودن مفهوم وجود مورد بررسی قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** محقق خوانساری، صدرالمتالهین، اشتراک معنوی وجود، اصالت وجود، وجود رابط، مفهوم وجود.

## مقدمه

اگر با نگاه آماری بتوان به تعداد دانشمندان و اندیشمندان، تولیدهای علمی و ژرف-اندیشی‌های عقلی دست یافت و با نگاه بیرونی بتوانیم از ابتکارات، خلاقیت‌های علمی و خردورزی، تصنیف‌ها و تالیفات از میزان فرهنگ جامعه‌ای خبر بگیریم یکی از دوران‌های ممتاز تاریخ ایران دوران صفویه است که از سال ۹۰۷ هجری آغاز می‌گردد؛ و اگر بتوانیم راهی به نفوذ در تفکر و فرهنگ جوامع در آینده‌ی تاریخ داشته باشیم؛ درحالی‌که نوآوری‌های علمی و فلسفی و ادبی را از هم تفکیک نماییم و حتی تسلط فرهنگ بر علم را به صورت کامل نپذیریم و بر تاثیر علم و علوم بر اجزای درونی و برونی فرهنگ ناباور باشیم نمی‌توانیم به تعامل بعضی از لایه‌های فرهنگ با علم و معرفت تردید نماییم برای راهیابی به این تعامل و عبرت‌گیری از این تاثیر و تاثرها، یکی از دوران‌های قابل نگاه و توجه است.

ما نمی‌خواهیم به تکرار مکررات و قرائت بی‌سر و سامان فرهنگ و فلسفه و ادبیات آن عصر بپردازیم زیرا در این قرائت شاهد جدال‌های دینی و عقیدتی هستیم ولی وقتی به درون این دوران راه می‌یابیم، جریان‌ها وصف آرایه‌های فکری و علمی و عقیدتی با مذاق و مشرب‌های متضاد را نظاره می‌نماییم که هر کدام از این جریان‌ها بدون این‌که به حذف و قلع و قمع دیگری بپردازد، به تحکیم و تثبیت مواضع فکری و فرهنگی خود اهتمام می‌ورزد و از شخصیت‌های علمی قوی و قدرتمندی برخوردار است که با شور و شوق تمام به تولیدهای علمی و فرهنگی خود اشتغال دارند.

نمی‌خواهیم در این نظر دچار افراط و مبالغه‌گویی شویم، قهرها و طردها و بی‌مهری‌ها مقطعی را در تعاملات علمی و فرهنگی و اجتماعی نادیده بگیریم و به دردهای دل‌صدرا در مقدمه‌ی اسفار «از خفاشان معرفت و کوتاه‌نظران و عالم‌نمایانی که به نام علم و دین با حکمت و عرفان خصومت و دشمنی می‌ورزند» (شیرازی، صدرالدین، اسفار، ج ۱، ۵) بی‌توجه باشیم و در نهایت سقوط وحشتناک ایران را در پایان این دوره به دست افغانه از نظر دور بداریم بلکه می‌خواهیم این نکته را یادآور شویم که ما در این عصر برای نمونه به شخصیت‌هایی چون میرداماد (۱۰۴۰) میرفندرسکی برخورد می‌نماییم که در ژرف‌نگری علوم عقلی کم‌نظیر می‌باشد. در مقابل به محمد امین استرآبادی (۱۰۳۰) برخورد می‌کنیم که در معارضه و مبارزه با منطق و فلسفه و تنزیه دین از فلسفه و علوم عقلی نهایت سعی خود را مبذول می‌دارد. در فقه محقق کرکی، در علوم و فنون شیخ بهایی، در حدیث علامه مجلسی، گرچه علمای شیعه مذهب لبنانی در این دوران به پست‌های مهمی دست می‌یابند و نقش مهمی ایفا می‌نمایند و

بعضی همین را نقطه ضعف به حساب می‌آورند ولی فراموش نکنیم، چه طبقه و لایه‌ای حتی با انگیزه اشتراک‌های مذهبی به ایران آمده و رشد کرده‌اند و کرسی‌های مهم علمی و فقهی را اشغال نموده‌اند. آیا جز استعدادهای درخشان و کم‌نظیر جوامع و ملت‌های دیگر بوده‌اند که بستر رشد و شکوفایی را در ایران دیده و به این سرزمین روی آورده‌اند مگر در دوران معاصر جذب استعدادها را یکی از شاخص‌های رشد قرار نمی‌دهند مگر می‌توان نوآوری‌های فقهی-علمی آن‌ها را نادیده بگیریم اگر به تاریخ فلسفه یا با تسامح به تاریخ فلاسفه نظر بیفکنیم چه جنب و جوش و ژرف‌نگری و خردورزی را در تدریس و تالیف کتاب‌های فلسفی شاهدیم، آیا تدریس کتب فلسفی در حوزه‌های علمی شیعی علی‌رغم تکفیرهای فلاسفه در زمان‌های قبل و تحقیر فلسفه، علامت‌ها و شاخص‌هایی را به ما نشان نمی‌دهد. آیا با پوچی فلسفه و عدم شان و مقام برای او می‌توان شاهد این همه تدریس و تالیف و شرح و حاشیه بر کتب فلسفی خصوصاً ابن‌سینا بود و شاهد طرح‌های جدید و ابتکار و خلاقیت در این ژرف‌نگری‌ها نیستیم، آیا طرح حدوث دهری میرداماد و اهتمام به آن جز به منظور به حاشیه راندن حدوث ذاتی ابن‌سینا و جدلیه‌الطرفین بودن حدوث نیست و مطالب دیگری که باید در تاریخ فلسفه پاسخ یابد، و بالاتر از همه با متفکری روبرو می‌شویم که طرحی نو در می‌اندازد و به فلسفه صورتی تازه می‌بخشد، از بازخوانی یک‌نواخت فلسفی به ابتکارات جدید فلسفی دست می‌یابد از محدودیت‌ها و مرزهای حاکم بر تفکر زمان خود عبور می‌نماید و یک نظام فلسفی، به عنوان حکمت متعالیه سامان می‌دهد، آن‌چه در بستر تاریخی فلسفه‌ی این دوران قابل تامل است این است که نظریات او در زمان وی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد و مهم‌ترین شاگردانش نظرات او را بر نمی‌تابند ولی علی‌رغم موضع منفی اندیشمندان آن دوران نسبت به صدرالمتهلین افکار او مورد توجه و چون و چرا و نقد قرار می‌گیرد منکر این مطلب نیستیم که نشان از قدرت تفکر او دارد ولی از طرف دیگر و روی دیگر سکه از تحمل و ظرفیت‌های فرهنگی آن دوران حکایت می‌نماید یکی از کسانی که تفکر او را به صحنه می‌آورد تا مورد نقد و چون و چرایی قرار دهد به محاوره‌ی نقادانه‌ی فلسفی با او می‌پردازد، آقا حسین خوانساری است.

آقا حسین خوانساری در سال ۱۰۱۶ در خوانسار متولد شده، قبل از سن بلوغ برای کسب علوم و معارف به اصفهان رفته و از محضر استادانی چون میرفندرسکی، ملامحمد تقی مجلسی، ملاحیدر خوانساری بهره برده و با استعداد خدادادی که داشته در مراتب عقلی و نقلی از تمام اساتیدی که مهارت داشتند برتری پیدا کرده و به عنوان استاذ الکل فی الکل مشهور

گشته، کتاب مشارق الشموس وی در فقه از کثرت تحقیق و استدلال‌های دقیق بی‌نظیر است. وی در سال ۱۰۹۸ در اصفهان وفات یافته، وی مورد احترام کامل و توجه شاه سلیمان صفوی قرار داشته که پس از رحلتش بقعه‌عالی با آخرین تشریفات بر مقبره‌ی او احداث نموده‌اند. صاحب ریاض، پس از آن که به قدر کافی به اوصاف پسندیده‌ی او پرداخته می‌نویسد کسی به پایه‌ی علمی او نمی‌رسد وی حاشیه بر اشارات ابن‌سینا و دو حاشیه بر شفا دارد (خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، ج ۲، ۴۲-۳۳۹) که در حاشیه‌ی اول نظریات صدرالمتالهین را مورد تحلیل و بررسی و نقد قرار می‌دهد و به نظریات غیاث الدین دشتکی هم کاملاً توجه می‌نماید.

سید جلال‌الدین آشتیانی او را در فلسفه از ملاجبعلی تبریزی قوی‌تر می‌داند و حاشیه‌های او را بر شفا را دارای مزایایی دانسته که علاوه بر تحقیق و دقت شخصی از تسلط بر اقوال متاخرین برخوردار است و چون شفاء را تدریس می‌کرده به حکمت مشاء تسلط خاصی داشته است. (آشتیانی، سید جلال‌الدین، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ۳-۳۶۲) محقق خوانساری یکی از کسانی است که در حاشیه‌ی خود بر شفا ابن‌سینا به تعلیقه‌های صدرالمتالهین توجه نموده و نظریات وی را تحت عنوان قیل طرح و سپس به بررسی و تحلیل نقادانه‌ی آن‌ها می‌پردازد. نگارنده بر آن شد که بعضی از این مناقشات را در حد یک مقاله مورد تحلیل قرار دهد و برای این که بحث از انسجام و کارآیی بیشتر در صحنه‌ی اندیشه برخوردار باشد بر آن شدیم که دیدگاه محقق خوانساری را نسبت به مبادی و مبانی اصالت وجود حکمت متعالیه برجسته نماییم و برای این که بهتر به مقصود نایل شویم نخست این مبادی را از نظر صدرا مورد توجه قرار می‌دهیم سپس به موضع‌گیری خوانساری می‌پردازیم.<sup>۱</sup>

## ۱- مفهوم موجود و اشتراک معنوی آن

تا آن جا که منابع موجود به ما خبر می‌دهد اولین کسی که درباره‌ی واژه‌ی وجود و موجود به بررسی می‌پردازد فارابی است که در کتاب الحروف خود این واژه را مورد تحلیل قرار می‌دهد. (فارابی، الحروف، ۱۲۱). زیرا این مفهوم در متون فلسفی عصر او به نوعی سرگردانی و آشفتگی دچار شده (حکمت، متافیزیک ابن‌سینا، ۲۳۷). و از طرفی واژه‌ی کلیدی در معرفت فلسفی

۱- محقق توانا آقای حامد ناجی در مقدمه‌ی تعلیقات شفا از کتابی خطی به نام نورالعرفاء فی شرح کتاب الهیات شفا خبر می‌دهد که مولف آن سید عبدالعظیم لنجانی به داوری بین نظریات صدرا و خوانساری می‌پردازد که نگارنده نتوانست به آن دسترسی پیدا نماید و از متد و محتوای آن بی‌اطلاع است.

است، ابن‌سینا که به دنبال تثبیت هویت فلسفه و علم اعلی است، در بسیاری از کتاب‌هایش خصوصاً در مقاله‌ی اولی شفاء به تفصیل درباره‌ی موضوع فلسفه که موجود بماهوموجود و به تعبیر دیگر وجود اطلاقی و لابشرط است می‌پردازد (ابن‌سینا، الشفاء، ۲۸۲). زیرا در این علم باید از عوارض ذاتی موجود بحث و گفتگو شود وی با تکیه بر وحدت مفهومی وجود و موجود موضوع فلسفه را تثبیت می‌کند چون اگر مفهومی واحد باشد می‌تواند موضوع برای علم واحدی قرار گیرد و عوارض خاص آن تشکیل دهنده‌ی مسائل آن علم گردند و فقط از راه وحدت مفهومی وجود می‌توانیم موضوع فلسفه‌ی اولی را تبیین نماییم. (همان، ۲۸۳). صدرالمتألهین هم در فصل اول اسفار، موضوع فلسفه و مسائل آن، بدهانت تصویری و تصدیقی وجود و صدرنشینی این موضوع بر همه‌ی حقایق، محمولات فلسفه و مسائل آن، عوارض وجود و اخص بودن و یا اعم بودن محمولات نسبت به آن را تبیین نماید (شیرازی، صدرالدین، اسفار، ۳۰-۳۴). و سپس در فصل دوم به اشتراک معنوی وجود و بحث تشکیک آن می‌پردازد وی اشتراک معنوی وجود را «قرب من الاولیات» (همان، ۳۵) که برتر از بدیهیات است می‌شمارد و در کتاب اسفار سه استدلال و یک شاهد برای اشتراک معنوی وجود مطرح می‌کند که هر سه را در تعلیقه شفا آورده است. محقق خوانساری دو استدلال او را مورد مناقشه قرار می‌دهد.

### استدلال‌های صدرالمتألهین درباره‌ی اشتراک معنوی وجود

قیل «و العجب ان من قال بعدم اشتراك الوجود من الموجودات فقد قال باشتراكه من حيث يشعر لان الوجود في كل شي لو كان بخلاف الوجود في الآخر لم يكن هيهنا شي واحد يحكم عليه بانه غير مشترك فيه بل يكون هيهنا مفهومات لانهايه لها و لابد من اعتبار واحد و احد هيهنا لتعرف انه هل هو مشترك فيه ام لا فلما لم يحتج الي ذلك علم ان الموجود مشترك فيه و ايضاً الرابطة في القضايا و الاحكام حزب من الوجود و هي في جميع الاحكام مع اختلافها في الموضوعات و المحمولات واحده» (شیرازی، صدرالدین، تعلیقات، ۸۳).

دلیل اول کسی که منکر اشتراک معنوی وجود باشد بی آن که خود متوجه باشد به اشتراک معنوی آن اعتراف می‌نماید زیرا در صورتی که وجود مشترک لفظی باشد به دلیل آن که دارای مفاهیم و معانی بی‌شمارست برای سلب اشتراک معنوی از آن‌ها باید تمام آن معانی را در ظرف ذهن ملاحظه نماییم تا بتوانیم حکم به اشتراک و یا عدم آن بکنیم در حالی که این کار برای کسی مقدور نیست. دلیل دوم، وجود رابطه است وجود رابط و استی در همه‌ی قضایا یک

معنا دارد به خلاف موضوع و محمول که در قضایا مختلف و متفاوتند و چون استی قسمی از هستی است، با وحدت مفهومی استی و رابطه، یگانه بودن مفهوم هستی آشکار می‌گردد. محقق خوانساری می‌گوید «و لا یخفی ان اشتراک الموجود معنی بین الموجودات و کذا زیاده علیها بدیهی و لا حجه له الی الاستدلال و الدلائل التی ذکرها القوم کانهما تنبیهات» (خوانساری، حسین، حاشیه الهیات شفا، ۲۰۶).

وی اشتراک مفهومی وجود و زیادتی مفهومی آن بر موجودات را بدیهی می‌داند و استدلال و براهین در این میدان را تنبیه به شمار می‌آورد ولی در هر دو برهان صدرا مناقشه می‌کند. در مورد برهان اول می‌گوید: «یمكن ان یناقش فیما ذکره اولاً انه لا حجه الی الاعتبار واحد واحد لیعرف انه هل هو مشترک فیه ام لا او یجوز ان یجد العقل ان الاشیاء لیس مشترکه الا فی الامور التی لانزاع فی انها غیر الوجود من الوحده و المفهومیه و المعلومیه و نحوها و الحق ان اصل المطلب اجلی من هذه المقدمات». (همان، ۲۰۷).

در اشتراک و یا عدم اشتراک مفهوم نیازی نیست که همه‌ی موارد را دانه دانه بشماریم تا به اشتراک یا عدم اشتراک برسیم زیرا عقل فقط در وحدت و مفهومیّت و معلومیّت که در آن اختلافی نیست اشتراک می‌یابد و همه‌ی این امور غیر وجودند. با ملاحظه‌ی وجودها نمی‌توانیم به اشتراک آن دست یابیم. این استدلال با اشکال دیگری مورد مناقشه‌ی یکی از شارحان معاصر حکمت متعالیه قرار گرفته است. (جوادی آملی، رحیق مختوم، ۲۶۶).

اما مناقشه‌ی محقق خوانساری درباره‌ی استدلال دوم صدرا در اشتراک معنوی وجود «و یرد علی ما ذکره ان یقول ان الرابطة احد معانی الوجود باتحاده فی افراد، لایدل علی ان جمیع الموجودات معنی واحد». (خوانساری، حسین، حاشیه الهیات شفا، ۲۰۷).

وجود رابط با وجود محمولی و مستقل مشترک لفظی است، بنابراین از اتحاد معانی وجود رابط نمی‌توان به اشتراک معنوی و مفهومی جمیع موجودات رسید.

آنچه قابل توجه است آن است که خود صدرا در فصل نهم اسفار اختلاف بین وجود محمولی و رابط را به بیگانگی کامل بین این دو می‌کشد که فقط اشتراک آن‌ها را در لفظ وجود باید جستجو کرد. «علی ان الحق ان الانفاق بینهما فی مجرد اللفظ» (شیرازی، صدرالدین، اسفار، ج ۱، ۷۹).

از آن‌جا که عبارت فوق یک تخصص برای اشتراک معنوی و تک معنایی وجود تلقی شده، شارحان حکمت متعالیه را به موضع‌گیری‌های مختلف در تبیین این نظریه کشانده است.<sup>۱</sup>

لذا تعیین قدر مشترک بین وجود محمولی و اسمی (مستقل) و رابط یکی از مباحث مهم و قابل تعمق را در ساحت وجود تشکیل می‌دهد، چون در ذهن به هر عنوانی وجود رابط را مستقلاً رصد نماییم او را از رابطه بودن خلع نموده‌ایم، شاید بهترین تعبیر و تبیین در هویت وجود رابط تعبیر استاد ماست که می‌فرماید: «با یک مجاز عقلانی به وجود رابط اطلاق وجود می‌نماییم» (حایری یزدی، مهدی، کاوشهای عقل نظری، ۱۸۹). اهمیت مساله چنانست که با تک معنایی وجود در حکمت متعالیه نمی‌توان شوخی کرد، زیرا این موضوع هم متأثر از معرفت‌شناسی و هم وجودشناسی این حکمت است، در این نظریه وجود به یک معنا بر همه‌ی موجودات اطلاق و یکسان بر همه‌ی موضوعات حمل می‌شود اما مصداقها دارای تفاوت است آن هم چه تفاوتی، که سر به بی‌نهایت می‌کشد چون ستون فقرات حکمت متعالیه، اصالت وجود است و تمام دستگاه معرفتی شناختی اصالت وجود بر تشکیک استوار است و تشکیک هم فقط بر اشتراک معنوی وجود قائم است. یکی از زیباترین عبارتهای حاجی سبزواری این است «هی من امهات مسائل الحکمیة و منها یستنبط حقیقه مذهب الفهلویین» (سبزواری، هادی، شرح منظومه، ۱۰) و نام برده برای این که براهین اشتراک معنوی وجود را از مصاف هرگونه نقاش و تردید دور نگه دارد در منظومه از براهین صدرا صرف‌نظر می‌نماید و به براهین فخر رازی در المباحث المشرقیه استناد می‌نماید. (رازی، فخرالدین، المباحث المشرقیه، ۱۸).

اگر دغدغه‌ی واقعیت‌پی‌گیری هستی را در ساحت فلسفه داشته باشیم و هستی را مدار و محور همه‌ی مسائل فلسفی قرار دهیم و همه‌ی عالم را میناگری‌های هستی بدانیم نمی‌توانیم در این مطلب تردید نماییم و همان‌طور که خوانساری می‌گوید این موضوع از مبادی و مبانی بدیهی فلسفه است.

## ۲- ماهوی نبودن مفهوم وجود

یکی از مبانی مهم حکمت متعالیه در مبادی وجود ماهوی نبودن مفهوم وجود است که صدرا در مباحث وجود اسفار از زاویه‌های مختلف به آن می‌پردازد و پس از آن به تنزیه حقایق

۱- نگارنده در مقاله‌ای نظریه‌ی حکیم سبزواری و نظریه‌ی رقیب او را در این موضوع مورد بررسی قرار داده است. ر.ک: شناخت، فصلنامه‌ی ۶ فلسفه، دانشکده شهید بهشتی، ۹۵.

وجودی و موجودات عینی از معنای جنسی و نوعی می‌رسد، صدرا ساحت وجود را از ساحت ماهیات جدا می‌کند زیرا ماهیات در حکمت متعالیه از نقشه هستی خارج می‌شوند و حیثیت معرفتی مفهوم وجود که پشتوانه هستی عینی خارجی را به همراه دارد غیر از حیثیت معرفتی ماهیات می‌باشد (شیرازی، صدرالدین، اسفار، ج ۱، ۳۷ و ۵۰).

در تعلیقه الهیات شفا هم مطرح می‌کند: «انما قال هی کالاتواع و لم یقل له انواع له لان الوجود المطلق طبیعه جنسیه و لا امر کلی و لیس شموله للموجوات شمول الکلی لافراده لان هذه المفهومات کالکلیه و الجزئیة و الذاتیه و العرضیه من الامور التی تعرض للماهیات فی الذهن مطابقه لها حتی تعرض له الکلیه و الجنسیه و غیرهما من المعقولات الثانیة بل هو صریح الانیه لکنه یشتبه الذاتی و الجنس» (شیرازی، صدرالدین، تعلیقات الهیات شفا، ۳۲).

بعضی از اموری که در فلسفه مطرح می‌شوند نسبت به موجود شبیه انواع است زیرا در انواع اجناس ماخوذ و به حمل اولی موجود می‌باشد، جنس از مقومات نوع است و وجود به قید اطلاق طبیعت جنسی ندارد و امر کلی است و شمول و فراگیری آن نسبت به مصادیق، مانند شمول و فراگیری کلی به افراد نیست زیرا مفهوم جنس و نوع و حتی کلیت و جزئیت ذاتیت و عرضیت از معقولات ثانیه‌ای هستند که در ذهن عارض ماهیات می‌شوند و حال آن‌که وجود نه ماهیت چیزی است و نه ماهیت دارد بلکه عینیت خارجی است و همانند جنس است که داخل در حقیقت افراد مختلف الحقایق است.

خوانساری می‌گوید: «انما قال کالاتواع لان مفهوم الموجود لیس بالنسبه الیها ذاتیا بل عرضیا فانه مقول بالتشکیک بالنسبه الیها» (خوانساری، حسین، حاشیه بر شفا، ۷۱).

وی بر این مطلب اذعان دارد که مفهوم موجود نسبت به حقایق عینی و خارجی وجود ذاتی نیست بلکه یک مفهوم عرضی خارج المحمول است که نمی‌تواند ذات و ذاتیات را آشکار نماید و با تفاوت تشکیکی بر موجودات حمل می‌گردد و لکن مطلبی را در معارضه با صدرا مطرح می‌نماید که جدایی موضع خود را از موضع حکمت متعالیه در غیر ماهوی بودن موجود اعلام می‌کند «و لا یخفی ان مذكروه ان الوجود لا ماهیه له و لا له صوره فی الذهن فامر وراء طور المتعارف و لا یصل الیه افهامنا» (همان، ۷۲).

پوشیده نیست آنچه که صدرا از ماهیت نداشتن وجود و صورت نداشتن در ذهن طرح می‌کند چیزی است که از شناخت عرفی خارج و فهم‌های ما به آن نمی‌رسد.

«و لیت شعری انه اذا لم یکن له صوره فی الذهن فکیف یحکم علیه بحکم کما حکم علیه فی هذه الکلام بکثیر من الاحکام من کونه بلاماهیه و بلاصوره فی الذهن عدم عروض



الکلیه و الجنسیه له کونه شبیهها بالذاتی و الجنس و کونه ذافرد و خارجاً عن حقیقه فرده الی ذلک» (خوانساری، الحاشیه، ۷۲).

ای کاش می‌دانستم اگر وجود صورتی در ذهن ندارد چه‌طور این مفهوم موضوع قرار می‌گیرد و این همه احکام و محمولات می‌پذیرد مگر نمی‌گوییم وجود، ماهیت ندارد صورتی در ذهن ندارد، شبیه ذاتی و جنس است. فرد خارجی دارد و خارج از حقیقت فردش می‌باشد و در جای دیگر می‌گوید «ان مفهوم الموجود ایضا من الموجودات غایه الامر ان یکون موجوداً ذهنیاً» (همان، ۷۳).

وی مفهوم موجود را یک امر ذهنی می‌داند ولی وجود ذهنی را هم جزء طبقات وجود قرار می‌دهد.

### نتیجه

محقق خوانساری به اشتراک مفهومی وجود و زیادتی و عروض مفهومی وجود پای بند است و به زیادتی مفهومی وجود بر حقایق هستی با حکمت متعالیه همراهی می‌نماید ولی مساله‌ای که او را از این حکمت جدا می‌کند این است که می‌خواهد کلیت ماهوی را با کلیت احاطی و سربانی جمع نماید و به مفهوم وجود نسبت دهد لذا به کلی با معیار ارسطویی آن تکیه می‌کند و گسترش و فراگیری مفهومی وجود را در این قالب قرار می‌دهد و با آنکه حکمت متعالیه، سعه مفهومی را از سعه‌ی وجودی تفکیک و جدا می‌نماید و به این واقعیت باور دارد که جایگاه مفهوم جز در ذهن نیست ولی ساحت ذهنی این مفهوم غیر از ساحت ذهنی کلیات مدار بسته ماهیات است زیرا فرد ماهیت در خارج همانند ماهیت کلی در ذهن از ذات و ذاتیاتی یگانه برخوردار است و حال آنکه مفهوم وجود فقط منشا انتزاع در خارج دارد و دارای محتوا و حقیقت عینی خارجی است و از راه منشا انتزاع خود به خارج مرتبط و متصل می‌شود و این مفهوم از آن جهت که مفهوم است حیثیتی جز حکایتگری و ارائه محکی ندارد ، تمام دغدغه و دل‌مشغولی صدرا این است که به وسیله‌ی این مفهوم و عبور از آن خود را به ساحل حقیقت عینی وجود رساند و از زمین‌گیر شدن در آن خود را خلاص نماید و این یکی از مهم‌ترین عوامل در نگاه به عرفان و روی آوردن به آن در این حکمت است. دقیقاً محقق

خوانساری این نگاه را برنمی‌تابد<sup>۱</sup> لذا در بحث اشتراک معنوی وجود زیادتی و عارض بودن مفهومی وجود بر ماهیات و زیادتی مفهومی آن حقیقت عینی موجودات که چندان نیاز مبنائی به این نگاه ندارد همراهی می‌کند. دیدگاه وی در مبحث تشکیک که دارای نکات دقیقی است و مقاله‌ی دیگری می‌طلبد که از خدا خواهیم توفیق عمل.

---

۱- «لیس الکلام الا فی هذا الوجه الذی يفهمه من الوجود ما يقولون انه موضوع هذا العلم ليس الا هذا المفهوم، و لا شغل لنا بما هو كنهه و مصداقه» (خوانساری، الحاشیه علی الشفا، ۷۲)

## فهرست منابع

۱. ابن‌سینا، الالهیات من الشفاء، افسست، تهران: بیدار.
۲. آشتیانی، سید جلال‌الدین، منتخباتی از آثار حکمای ایرانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶). ریحیق مختوم، قم: اسراء.
۴. حایری یزدی، مهدی، (۱۳۸۴). کاوش‌های عقل‌نظری، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، تهران.
۵. حکمت، نصرالله، (۱۳۸۹). متافیزیک، تهران: الهام.
۶. خوانساری، حسین، (۱۳۷۸). الحاشیه علی الشفاء، قم: دبیرخانه کنگره حسین خوانساری.
۷. خوانساری، حمد باقر، (۱۴۱۱). روضات الجنات، بیروت: الدراسات الاسلامیه.
۸. رازی، فخرالدین، (۱۴۱۰)، المباحث المشرقیه، بیروت: دار الكتاب العربی.
۹. سبزواری، هادی، شرح منظومه، افسست.
۱۰. شیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۷۸). الاسفار الاربعه، مکتبه المصطفوی.
۱۱. شیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۸۳). تعلیقات علی الشفاء، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.